

## بررسی دلالت اظهار دین بر نفی تکثرگرایی

### در عصر ظهور بر پایه آیه ۹ صف

روح‌الله شاکری زواردهی\*

حمزه ترابی\*\*

#### چکیده

تکثرگرایی یکی از باورداشت‌های برخی اندیشمندان غربی است، این اندیشه بر پایه راه‌های مختلف نجات‌بخشی، پایه‌گذاری شده است. دین اسلام، انحصار راه حق را به خود اختصاص داده است، برخی از آیات قرآن کریم با محورداشت «اظهار دین» می‌تواند به‌عنوان پاسخ درون‌دینی به تکثرگرایی قرار گیرد، این پژوهش کوشیده است تا افزون بر ترسیم بازنمایی از عصر ظهور با توجه به آیه نهم سوره صف، میزان رسمیت داشتن تکثر ادیان در عصر ظهور را تبیین نماید. بر پایه یافته‌های تحقیق، قرآن کریم آینده جهان را در پیروزی جبهه حق و غلبه اسلام بر سایر ادیان دانسته است، اسلام تنها راه حقیقت برای دستیابی به نجات است و در عصر ظهور این نجات‌بخشی با رهبری امام عصر<sup>علیه السلام</sup> تحقق خواهد یافت.

#### واژگان کلیدی

آیه ۹ صف، عصر ظهور، تکثرگرایی، اظهار دین، غلبه دین.

shaker.r@ut.ac.ir

hamzehtorab@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۴

\*. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

\*\* دانش‌پژوه سطح چهار مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۲

## طرح مسئله

پیدایش نظریه پلورالیزم به قرن بیستم بر می‌گردد، این نظریه نخستین بار در اندیشه ویلفرد کنتول استاد دانشکده الهیات هاروارد، ظهور کرد و سپس توسط شاگردانش به‌ویژه جان هیک در کتاب *فلسفه دین* گسترش یافت، پلورالیزم دینی به شکل کنونی آن، یک باورداشت در تئولوژی مسیحی است که با تحقیقات جان هیک در جهان مسیحیت گسترش پیدا کرده است.

جان هیک که با انسان‌های غیر مسیحی زیادی ارتباط داشت و خلوص و پاکی آنان را مشاهده می‌کرد برای او قابل پذیرش نبود، این چنین افراد، چون غسل تعمید نشده‌اند، همگی در قیامت اهل آتش شوند. او با پذیرش نظریه پلورالیزم دینی کوشید تا نجات‌بخشی غیر مسیحیان را توجیه نماید، او انحصارگرایی و شمول‌گرایی را نپذیرفت و با طرح مثالی از علم هیئت، در تبیین این نظریه کوشید:

همانگونه که در علم هیئت، سالیان متمادی، زمین‌محور بود و جهان بر گرد آن می‌چرخید و در واقع چنین نبوده است، بلکه پندار آدمیان آن را بدین‌گونه قلمداد می‌کرده و پس از روشن شدن حقیقت، معلوم شد محور چیز دیگری است و زمین جزئی از منظومه‌ای است که بر گرد آن محور در گردش است، در زمینه دین و تفکر دینی نیز سالیان متمادی بر این باور بودند که دین آنها محور حقیقت است و تنها از این طریق می‌توان به واقعیت دست‌یافت و دیگر راه‌ها و زمینه‌های حقیقت‌یاب و حقیقت‌خواه باید بر محور دین آنان گردش کند، اما اینک در می‌یابیم که محور چیز دیگری است و آن خود حقیقت است. حقیقت و واقعیت جهان‌محور است و تمامی ادیان و ایده‌ها و مکتب‌ها بر گرد آن محور می‌چرخند و در واقع، راه‌های گوناگونی هستند برای رسیدن و دست‌یابی به آن حقیقت. (جان هیک، ۱۳۸۶: ۲۳)

تکثرگرایی یا پلورالیزم، با اساس قرار دادن راه‌های مختلف نجات، پیروانی را به خود اختصاص داده است. از نظرگاه آن، همه ادیان الهی و بشری، در کنار هم می‌توانند صادق و نجات‌بخش باشند، اما ترسیمی که اسلام برای آینده جهان در عصر ظهور کرده است با محوریت پیروزی جبهه حق و غلبه اسلام بر سایر ادیان است، بدین‌سان این نوشتار در پاسخ به این سؤال است که چگونه می‌توان از آیات «اظهار دین» در قرآن، پاسخی درون‌دینی به تکثرگرایی در عصر ظهور داد؟

این نگاشته با بهره‌گیری از نگاه مفسران شاخص در شیعه و اهل سنت آیه ۹ سوره صف و با استفاده از روایات مهدویت در جهت پاسخ به نظریه تکثرگرایی، کوشیده است نگاهی تازه و فراگیر در پاسخ به تکثرگرایی، طرح نماید.

### چیستی پلورالیسم دینی یا کثرت‌گرایی دینی<sup>۱</sup>

واژه «پلورال» به معنای جمع و کثرت، حکایت‌کننده از وجودهای متعدد و متکثر (وجود کثرت‌ها) است و واژه «پلورالیسم» به معنای گرایش به کثرت (کثرت‌گرایی) است. (بیات، ۱۳۸۱: ۱۴۲)  
در فرهنگ آکسفورد، پلورالیسم این‌گونه تعریف شده است:

زندگی در جامعه‌ای که از گروه‌های نژادی مختلف تشکیل یافته و این گروه‌ها دارای زندگی سیاسی و دینی مختلف می‌باشند. این تعریف بیانگر یک پدیدار اجتماعی است. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۱۹)

«پلورالیسم» در اصطلاح به معنای گرایش به اصول متعدد و در مقابل «وحدت‌گرایی» است. (قراملکی، ۱۳۸۰: ۱۸۸)

نظریه پلورالیسم دینی که تفسیرهای گوناگونی دارد، افزون بر پذیرش ادیان گوناگون، اعم از الهی و بشری، همه آنها را صادق و مطابق با واقع و موجب رستگاری اخروی می‌داند. شکل‌گیری پلورالیسم به صورت کنونی از نهضت اصلاح دینی به رهبری مارتین لوتر و جان کالوین شکل گرفت، تجدید نظر در جایگاه کلیسا که «رפורمیسم» نام گرفت و سرانجام با ظهور شلایرماخر، به تدوین الهیات لیبرال انجامید از نقاط شروع کثرت‌گرایی گردید. با رهبری شلایرماخر، در قرن نوزدهم نظریه؛ حدّ وسط سنت‌گرایی و نوخواهی، با نام «الهیات اعتدالی» مطرح گردید. (ایان باربور، ۱۳۷۹: ۸۶)

پیدایش رسمی این نظریه توسط جان هیک در قرن بیستم شروع شد، وی پلورالیسم دینی را در مقابل نظریه‌های انحصارگرایی و شمول‌گرایی قرار داد، وی برای حلّ مشکل دو نظریه انحصارگرایی و شمول‌گرایی، تئوری کثرت‌گرایی را مطرح کرد. (خسروشاهی، ۱۳۷۱: ۱ / ۳۰۲)  
او در بیان نظریه خویش می‌نویسد:

پلورالیسم، عبارت است از قبول و پذیرش این دیدگاه که تحوّل و تبدیل وجود انسانی از حالت خودمحوری به خدا (حقیقت) محوری، به طرق گوناگون در درون همه سنت‌های دینی بزرگ عالم صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، تنها یک راه و شیوه نجات و رستگاری وجود ندارد، بلکه راه‌های متعدد و متکثر در این زمینه وجود دارند. (جان هیک، ۱۳۷۶: ۶۹)

---

1. Religious Pluralism.

شلایر ماخر، ضمن پذیرش دانش علمی تکامل به جای الهیات طبیعی و حیانی، تجربه دینی و عرفانی را پذیرا شد. او معتقد بود نباید برای عیسی شأن و منزلتی بیش از آن معتقد بود که اعمال او نشان می‌دهد و به او عملکردی نمی‌توان نسبت داد که با شأن و منزلت او متناسب نباشد. خاستگاه پلورالیسم دینی به شلایر ماخر و الهیات لیبرال می‌رسد. پلورالیسم دینی در جهان مسیحیت، واکنشی به انحصارگرایی در صدق و نجات در کلام مسیحی بود. (تونی لین، ۱۳۹۶: ۳۲۸)

جان هیک برای حل مشکل دو نظریه انحصارگرایی و شمول‌گرایی، تئوری کثرت‌گرایی را مطرح کرد. وی پس از بررسی نظریه‌های انحصارگرایی و شمول‌گرایی در مسیحیت می‌نویسد:

من فکر می‌کنم راهی وجود دارد که مسیحیان چنانچه شخصاً تمایل داشته باشند، می‌توانند از آن طریق در جهت پذیرش پلورالیسم دینی حرکت کنند. چنانچه خواسته باشیم چنین پلورالیسمی را به زبان فلسفی بیان کنیم، بدین صورت خواهد بود که بگوییم ایمان‌های دینی بزرگ عالم از درون انواع عمده شیوه‌های فرهنگی انسان بودن، حاوی ادراکات و پندارها یا تصوراتی گوناگون و متناظر با آن نیز دارای عکس‌العمل‌هایی متفاوت نسبت به حقیقت مطلق یا وجود غایی می‌باشند و نیز اینکه راه‌حل هریک از این سنت‌های دینی تبدیل و تحول انسان‌ها از حالت خودمحوری به خدامحوری به‌طور آشکار صورت می‌گیرد و این صورت گرفتن تا جایی که مشاهده بشری می‌تواند بیان کند، تا حدود زیادی مشابه می‌باشند. بدین ترتیب، سنت‌های بزرگ را می‌توان به‌عنوان یک عده فضاهای جایگزین همدیگر دانست که در درون آن فضاها راه‌هایی وجود دارد که از طریق آنها مردان و زنان عالم می‌توانند به نجات و رستگاری، آزادی روحی، تنویر و یا تکامل معنوی دست یابند. (جان هیک، ۱۳۸۶: ۷۳)

### بررسی و نقد تکثرگرایی با توجه به آیات اظهار دین در قرآن

پیش از بیان آیات قرآن در نفی تکثرگرایی، توجه به این نکته مهم است که؛ ادعای کثرت‌گرایی دینی، یعنی حقانیت دانستن تمامی ادیان آسمانی و زمینی و الهی و بشری، مستلزم اجتماع نقیضین است. چون اجتماع نقیضین محال است، پس نمی‌توان تمام ادیان را حق دانست. توضیح مطلب اینکه؛ قیاس استثنایی کلام پیش این است که اگر تمام ادیان حق باشند، تمام گزاره‌ها و باورهای موجود در ادیان صادق و حقیقتی هستند. پس گزاره تثلیث در مسیحیت و توحید در اسلام یا تناسخ در بودا و معاد در اسلام حق است. نتیجه این خواهد شد که خداوند هم سه تا است و هم سه تا نیست، بلکه واحد است، روح پس از مرگ، هم به بدن و جسم دیگری در دنیا بر می‌گردد (تناسخ) و هم بر نمی‌گردد

و به عالم برزخ منتقل می‌شود تا وقت قیامت برسد (معاد) و حق دانستن تمام این باورها، مستلزم اجتماع نقیضین است، چون اجتماع نقیضین محال است و محال بودن آن از بدیهیات عقلی و حتی انکارش مستلزم اثباتش است، پس حق دانستن تمام باورهای ادیان محال است.

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». (صف / ۹)

قبل از مفهوم شناسی آیه، لازم است به این نکته توجه شود؛ این آیه در سه جای قرآن آمده است؛ نخستین بار در سوره صف نازل شده است، که ناظر به حوادث پیرامون جنگ بدر و احد در سال دوم و سوم هجری است، سپس در سوره فتح (فتح / ۲۸) که در صلح حدیبیه (سال ۶ ق) یا فتح مکه (سال ۸ ق) نازل شده است. آخرین بار در اواخر رسالت پیامبر ﷺ در سوره توبه (توبه / ۳۳) نازل شد که جزو آخرین سوره‌های نازل شده بر رسول خدا ﷺ است. دقت در سیر هر سه آیه این نکته را تأکید می‌کند که از وعده‌های نهایی قرآن، پیروزی جبهه حق بر باطل است و این پیروزی‌ها در چندین برهه تاریخی نمود پیدا کرده است.

این آیه کریمه هم بر حق بودن آیین اسلام، اشاره داشته است و هم، باطل بودن سایر ادیان را تأیید می‌کند؛ زیرا اگر ادیان دیگر نیز حق باشند و باعث سعادت و نجات انسان باشند، منطقی به نظر نمی‌رسد که خدای متعال خبر از مغلوب شدن آنان و پیروزی اسلام بدهد. سیاق آیات قبل و بعد نیز به خوبی نشان می‌دهد که منظور آیه همین ادیان تحریف شده است که سابقه الهی و آسمانی بودن را داشته‌اند.

### مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی آیه

رسوله: مصداق رسول در این آیه به اتفاق شیعه و اهل سنت و با توجه به فضای صدور آیات، حضرت محمد ﷺ است. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۴ / ۴۰۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۲۶۵)

بالهدی: بیشتر مفسران شیعه و اهل سنت، هدی را به معنای هدایت‌گری رسول خدا دانسته‌اند، از این میان، صاحب تفسیر مجمع البیان تمامی آنچه در هدایت مردم از حجت الهی و ادله و براهین به‌کار رفته است را نام برده است؛ (طبرسی، ۱۳۶۰: ۵ / ۳۸) برخی این هدایت را در مصداق معرفی نموده‌اند که قرآن مایه هدایت برای مؤمنان است، (ألوسی، ۱۴۱۵: ۳ / ۴۱۷) از مجموع نظرات مفسران آنچه در مصداق «هدی» می‌توان پذیرفت، قرآن است که با دلایل و براهین روشن باعث هدایت‌گری است.

دین الحق: در نگاه فریقین اتفاق نظر است که «دین الحق» اسلام است، علامه طباطبایی به پیروی از گذشتگان، با توضیح اندکی، اسلام و عقاید راستینش را دین حق دانسته است. (طباطبایی،

۱۴۱۷: ۹ / ۳۴۷)

در تفاسیر اهل سنت نیز «دین حق» اسلام دانسته شده است؛ زمخشری در بیان توضیح دین حق، اسلام را تنها مصداق آن معرفی کرده است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۳۴۶)

**لیظهره:** لغت «ظهر یظهر ظهورا» معنای گسترده‌ای ندارد و معنای آن پیرامون ظاهر شدن و آشکار شدن است، از آنجا که با حرف «علی» متعدی شده یک نوع آشکارشدن همراه با برتری و غلبه از آن استفاده می‌شود که می‌تواند از جهت‌های مختلف به معنای غلبه در استدلال، حجت داشتن اسلام و غلبه در سیطره اسلام باشد. مصداق غلبه نهایی اسلام بر سایر ادیان، طبق روایات در زمان ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام است، چنانچه در **تفسیر نمونه** آمده است:

بررسی موارد استعمال ماده «اظهار» «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ ...» در آیات قرآن نشان می‌دهد که این ماده بیشتر به معنای غلبه جسمانی و قدرت ظاهری آمده است، چنان که در داستان اصحاب کهف می‌خوانیم: «إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ؛ اگر آنها (دقیانوس و پیروان) بر شما غالب شوند سنگسارتان می‌کنند (کهف / ۲۰) و نیز درباره مشرکان می‌خوانیم: «كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْجُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَا ذِمَّةً»؛ (توبه / ۸) هرگاه آنها بر مؤنه شما چیره شوند نه ملاحظه خویشاوندی و قرابت را می‌کنند و نه عهد و پیمان را» بدیهی است غلبه در این‌گونه موارد غلبه منطقی نیست، بلکه غلبه عملی و عینی است. به هر حال صحیح‌تر این است که پیروزی و غلبه فوق‌راه، غلبه همه‌جانبه بدانیم؛ زیرا با مفهوم آیه که از هر نظر مطلق است نیز سازگارتر می‌باشد، یعنی روزی فرا می‌رسد که اسلام هم از نظر منطق و استدلال و هم از نظر نفوذ ظاهری و حکومت بر تمام ادیان جهان پیروز خواهد شد و همه را تحت الشعاع خویش قرار خواهد داد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷ / ۳۷۲)

**ظهر علیه:** به معنای غلبه است، زمخشری در *أساس البلاغة* به این معنا اشاره کرده است (زمخشری، ۱۹۷۹: ۴۰۵) در برخی دیگر از کتاب‌های لغت مسئله ظهور و بروزی که ناشی از قدرت است از معانی اظهار فهمیده شده است چنان که ابن‌فارس در توضیح معنای «ظهر علیه» اشاره داشته است که؛ اصل معنای ظهر با «علی» بر قوت و بروز دلالت داشته است، از این‌سو در وسط روز که خورشید بروز بیشتری داشته است، مورد استفاده بوده است و یا انسانی که از دوردست ظاهر می‌شود و قسمت بیرونی بدن او نمایان می‌شود، کلمه «ظهر» برای او استعمال می‌گردد. (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۸۶)

فیومی پس از توضیح در معانی مختلف ظهور با اشاره به اضافه شدن «علی» بر کلمه ظهر، آن را به معنای غلبه دانسته است. (فیومی، ۱۴۱۴: ۳۸۷)

**الدین کله:** افزوده شدن «ال» بر اسم جنس، افاده عموم می‌کند، (قرطبی، ۱۹۶۷: ۱۹ / ۸۷)

ابن عاشور، ۱۳۸۷: ۲۸ / ۱۷۲) بنابراین با افزوده شدن ال استغراق و آمدن لفظ «کله»، تمامی ادیان منظور شده است بدل قرار گرفتن «کله» این عمومیت را تأکید نموده است «کله: توكید» (درویش، ۱۴۱۵: ۳ / ۳۳۹) مرجع و ضمیر کله مبدل منه (دین) است.

علی الدین کله: مفسران این عبارت را به معنای گسترده شدن اسلام در پایان تاریخ دانسته‌اند که همزمان با نزول حضرت عیسی علیه السلام به عنوان یاری امام عصر خواهد بود. (ابن عطیه، ۱۴۱۴: ۵ / ۳۰۴) بررسی واژگان آیه ۹ صف در بردارنده یک نکته اساسی است و آن ظهور و استیلای اسلام در ظاهر آیه شریفه وعده داده شده است اما روشن نیست در چه بعدی این غلبه رخ خواهد داد؛ آیا این غلبه در بعد جغرافیایی خواهد بود؟ در صورت پذیرش این احتمال تاکنون استیلای اسلام بر تمام جهان رخ نداده است و بی‌شک باید رخداد آن را در آینده جستجو نمود.

احتمال دومی که از استیلاء اسلام به ذهن می‌رسد در فضای استدلالی و براهین اسلام باید باشد که چنین رخدادی نیاز به وعده آینده نبوده است؛ چراکه از همان ابتدا اسلام چنین ادعایی داشته است، پس بی‌شک با قوی‌تر بودن احتمال نخست باید در بین تفاسیر پیرامون این آیه جستجو نمود تا به دیدگاه صحیح دست یافت.

در میان مفسران اهل سنت برخی با استناد به روایات پیرامون آیه، غلبه اسلام در عصر ظهور را به‌عنوان مصداق واقعی معرفی نموده‌اند، از این میان ثعلبی مفسر قرن پنجم در آغاز، سه معنای نزدیک به ظهور را برداشت نموده و با بهره‌مند شدن از روایتی که از ابوهریره نقل کرده است، تحقق وعده آیه را در آخرالزمان دانسته است.<sup>۱</sup> (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵ / ۳۵)

نکته بسیار مهم این است که؛ بیشتر اهل سنت به نزول حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان اعتقاد دارند از سویی روایات شیعه به یاری رساندن حضرت عیسی علیه السلام برای حضرت مهدی علیه السلام وارد شده است. با این حال، اعتقاد آنها در راستای پذیرش کلیت نظر آنهاست نه در تمام جزئیات کلام آنها، و آنچه در این نگاشته از نظر آنها برای نفی تکثرگرایی مفید است، پذیرش غلبه اسلام بر سایر ادیان در چنین زمانی است.

برخی مفسران اهل سنت تنها به معنای لغوی آیه و احتمال‌های معنای «ظهور» پرداخته‌اند اما به روایات در ذیل آیه اشاره‌ای نکرده‌اند، زمخشری را می‌توان از این دسته مفسران اهل سنت برشمرد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲ / ۲۶۵) اما توجه دقیق به عبارت او در بردارنده این تحلیل است که؛ از ظاهر

۱. قال أبوهريرة و الضحاك: ذلك عند خروج عيسى عليه السلام إذا خرج اتبعه كل دين و تصير الملل كلها واحدة، فلا يبقى أهل دين إلا دخل في الإسلام أو أدى الجزية إلى المسلمين.

کلام زمخسری می‌توان تحلیل نمود که، با پذیرفتن اصل غلبه، راه برای پذیرش این گفتار است که نتیجه غلبه پیامبر ﷺ بر سایرین در دین او بروز پیدا خواهد کرد، از این رو آن غلبه اسلام به نوعی از کلام او استفاده خواهد شد؛ زیرا غلبه شخص پیامبر ﷺ تنها در سایه آموزه‌های دین او قابل تصور است، پذیرش معنای غلبه و استیلاء از معنای «لیظهره» در آیه می‌تواند به عنوان گواهی او بر وعده‌ای باشد که هنوز رخ نداده است.

برخی مفسران اهل سنت مثل فخر رازی به احتمال‌های مختلف در آیه اشاره کرده است، او در بررسی معنای «اظهار» سه احتمال بیان کرده و در ادامه، احتمال سوم را برگزیده است:

اظهار یا به معنای غلبه در حجت و استدلال بر غیر است یا غلبه در نفرت و یا غلبه و استیلاء بر سایر ادیان منظور است که بنا به نوید دادن خدا به غلبه در آینده با معنای سوم سازگار بوده؛ چرا که غلبه استدلالی در همان زمان هم به وقوع پیوسته است. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۶ / ۳۳)

او در پاسخ به یک اشکال که شما چگونه غلبه بر ادیان دیگر را مطرح می‌کنید با اینکه در سرزمین‌های دور دست، مثل چین و هند هنوز اسلام گسترده نشده است؟ این گونه پاسخ می‌دهد که این اظهار از چند حالت خارج نیست؛ یا غلبه در همان زمان بر یهود و شام رخ داده است یا غلبه استدلالی اسلام مد نظر است و یا رسیدن پیام اسلام به جهان در اثبات غلبه کافی است. او با آوردن روایتی از ابوهیرره از میان احتمال‌های فوق، گسترده شدن اسلام و غلبه کامل آن در زمان خروج حضرت مهدی ﷺ را برگزیده است. (همان: ۱۶ / ۳۳)

سرآمد کلام فخر رازی و مفسران دیگر که از روایات ذیل آیه بهره برده‌اند، اثبات نمودن معنای غلبه و استیلاء اسلام است، ظاهر کلام این گروه گواه این مطلب است که؛ با پذیرش چیره شدن نهایی اسلام در زمان حضرت مهدی ﷺ مسیر اسلام در جهتی ادامه خواهد یافت که نمی‌توان در کنار اسلام جایی را برای بقای سایر ادیان پذیرفت، و این همان مقصود ما در نفی تکثرگرایی دینی در عصر ظهور را در بر خواهد داشت.

استفاده مفسران اهل سنت از برخی روایات، اشکال‌هایی را در پذیرش غلبه اسلام ایجاد نموده است، ابن کثیر از مفسران قرن هشتم با بهره جستن از حدیثی<sup>۱</sup> در ابتدای کلام خویش، به گسترده شدن اسلام در همه شرق و غرب عالم، توسط امت پیامبر اشاره دارد، وی سخن خود را این‌گونه

۱. المقداد بن الأسود يقول سمعت رسول الله ﷺ يقول «لا يبقى على وجه الأرض بيت مدر ولا وبر إلا دخلته كلمة الإسلام يعز عزيزا، و يذل ذليلا إما يعزهم الله فيجعلهم من أهلها».



کامل نموده است:

هیچ خانه‌ای چه از نوع خیمه یا ساخته گل یافت نخواهد شد مگر این که اسلام به آنجا راه یابد یا با عزت و یا به خواری، یا اینکه اسلام آنان را عزیز گرداند و خدا آنان را اهل این دین گرداند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴ / ۱۲۰)

این کلام، ممکن است با این اشکال مواجه شود که در صورت پذیرش جزیه از برخی افراد، دلیل بقای دین آنها در کنار اسلام خواهد بود، به عبارت دیگر با وجود ادیان دیگر در کنار اسلام مجالی برای نفی تکثرگرایی نخواهد بود؟

در جواب به این نکته باید توجه نمود که؛ در آغاز ظهور ما شاهد فرایند تدریجی روی آوردن سایرین به اسلام خواهیم بود و عده‌ای با پرداخت جزیه، تن به حکومت اسلامی خواهند داد و سپس با مشخص شدن قوت اسلام این گرایش بیشتر خواهد شد و در پایان، تنها پیروان اسلام در زمین خواهند ماند.<sup>۱</sup> از سویی باقی‌ماندن برخی افراد غیر مسلمان، در تحت سلطه اسلام بر غلبه نهایی آن ضرری نخواهد داشت.

مفسران شیعی دیدگاه روشن‌تری نسبت به سایرین پیرامون آیه ۹ صف داشته‌اند، فرات کوفی در تفسیر خویش روایتی که از درجه اعتبار خوبی برخوردار است آورده است که:

قال حدثنا جعفر بن أحمد عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» قال إذا خرج القائم عليه السلام لم يبق مشرك بالله العظيم و لا كافر إلا كره خروجه حتى لو كان في بطن صخرة لقات الصخرة يا مؤمن في مشرك فاكسرنى و اقتله. (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۴۸۲)

این کتاب تفسیری گرچه به ضعیف بودن مشهور است، اما هر مطلب و روایتی که این تفسیر اشاره نموده باشد و در سایر کتب معروف و معتبر شیعه یافت گردد، از دایره ضعف خارج می‌شود، از آن سو که این روایت پیش از فرات کوفی در تفسیر عیاشی نیز ذکر شده است (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲ / ۸۷) و سپس در منابع بعدی مانند **کمال الدین** شیخ صدوق (صدوق، ۱۳۹۵: ۲ / ۶۷) آمده است.

برخی اندیشمندان شیعه گرچه احتمال‌های دیگر این آیه را ذکر کرده‌اند اما در پایان کلام خویش، غلبه در عصر ظهور را ترجیح داده‌اند، از این میان می‌توان به شیخ طوسی اشاره نمود، او در کتاب **التبیین فی التفسیر القرآن** درباره اظهار دین ابتدا معنای اظهار را در غلبه؛ چه حکمی و چه در

۱. برای مطالعه بیشتر در این باره آیتی: ۱۳۸۴.

استیلاء گرفته است، سپس با استناد به روایتی از امام صادق علیه السلام که زمان تحقق چنین وعده‌ای در عصر ظهور خواهد بود، این‌گونه توضیح داده است:

پیروزی اسلام بر سایر ادیان و غلبه و چیرگی آن مصداق روشن آیه شریفه در عصر ظهور امام عصر علیه السلام خواهد بود. (طوسی، ۱۴۱۷: ۵ / ۲۰۹)

ایشان در سوره فتح ذیل آیه اظهار، به سه دیدگاه پیرامون این آیه اشاره دارد<sup>۱</sup> و هیچ کدام را ترجیح نداده است، (همان: ۳۳۶ / ۹) اما با توجه به عبارتی که در ذیل آیه ۳۳ توبه و ۹ صف آورده، دیدگاه او همان انتخاب غلبه اسلام و سیطره آن در عصر ظهور می‌باشد. برخی افراد از میان مفسران شیعه، در ابتدای شرح این آیه، غلبه اسلام را به گونه چیره شدن با حجت و استدلال معرفی کرده‌اند:

«لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» یعنی تا دین اسلام را به وسیله حجت و غلبه بر تمام ادیان پیروز گرداند بدانسان که در روی زمین دینی به جای نماند جز آنکه مغلوب حجت اسلام گردد و کسی نباشد که در حجت و برهان بر مسلمانان پیروز گردد. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۱ / ۷۵)

امین الاسلام طبرسی در ادامه با نقل چندین روایت که آنها را رد نکرده است، غلبه ظاهری و استیلائی اسلام بر کل زمین را پذیرفته است و با استناد به روایت‌های ارائه شده و تحلیل آنها، همگی را گواه بر استیلائی ظاهری اسلام است.

... از امیرالمؤمنین علیه السلام که می‌فرمود: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ أَظْهَرَ بَعْدَ ذَلِكَ» یعنی بعد از این غالب گرداند. گفتند: بلی فرمود: نه چنین است قسم به آن کسی که جانم در دست اوست چنان غلبه بر ادیان دهد تا باقی نماند روستا و دهکده‌ای مگر آنکه در آن صبح و شب به صدای بلند گفته شود «شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». (طبرسی، ۱۳۶۰: ۲۴ / ۴۰۲)

نکته لازم در کلام شیخ طبرسی این است که با ذکر این دسته روایات، می‌توان او را از کسانی دانست که استیلاء و غلبه ظاهری اسلام را بر سایر ادیان مناسب دانسته است، نوع نگاه او در نظراتی که پذیرفته باشد با «قیل» و «بعض اقوال» همراه است، نیاوردن چنین تعبیری پیرامون نظر دوم، گواه پذیرش دیدگاه غلبه ظاهری اسلام است.

۱. احتمال یکم غلبه با براهین و استدلالات اسلام بر سایرین، احتمال دوم ظهور آشکار اسلام و قول سوم در زمان ظهور امام عصر نشر و گسترش اسلام در سرتاسر زمین خواهد بود.

جدای از روایات، توجه به سیاق آیات پیش از آیه اظهار نیز در انتخاب معنای صحیح، راه‌گشا است. صاحب **تفسیر صافی** ابتدا با توجه به آیات پیشین که سخن از اتمام نور است، یک سیر منطقی برای پذیرش سخن خویش آورده که قابل تحسین است، او در تفسیر خویش ابتدا اشاره می‌کند که: بنی‌امیه و بنی‌عباس سعی کردند نور الهی را با کشتن اهل بیت علیهم‌السلام خاموش کنند اما خداوند اراده کرده است که با امام مهدی علیه‌السلام این نور به اتمام برسد و اسلام فراگیر شود و طبق آیه اظهار، هیچ سرزمینی باقی نمی‌ماند مگر این که اسلام را بپذیرد و مخالفان این راه، سر تسلیم فرود خواهند آورد. (فیض کاشانی، ۱۳۶۷: ۱ / ۲۶۷)

نگاه سیاقی به آیات پیشین در کلام مفسر معاصر، علامه طباطبایی نیز یافت شده است او به نکته لطیفی در این باره اشاره داشته است:

این آیه در مقام تعلیل جمله «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» در آیه قبلی است و معنایش این است که: خدا نور خود را تمام می‌کند، برای اینکه خدا آن کسی است که رسول خود را با نورش گسیل داشت، نوری که همان هدایت و دین حق است، تا آن را بر همه ادیان غلبه دهد، هر چند که مشرکان بت‌پرست نخواهند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۳۲ / ۱۹)

علامه طباطبایی به نکته مهمی در تفسیر خویش اشاره داشته است که؛ با توجه به آیات پیش از این آیه، به تفسیر آیات اظهار پرداخته است، محتوای آیات پیشین، سخن از هدایت اسلام و پیامبر است، اظهار اسلام در همان فضای نزول آیات گواه این مطلب است که آنچه از ادیان دیگر در زمان حاضر باقی مانده است دستخوش تحریف قرار گرفته و از مسیر حق خارج شده‌اند، از این سو پیروزی نهایی با دینی خواهد بود که بهره بیشتری از حق داشته باشد، با غلبه اسلام بر سایر ادیان این معنا کامل خواهد شد.

در کنار استدلال‌های سیاق آیه اظهار، توجه به روایاتی که پیرامون آن است، می‌تواند به مخاطبان نگاه فراگیرتری در درک معنای اظهار دین بدهد، از این رو ابن‌جمعه ذیل آیه اظهار ۶ روایت را نقل نموده است که همگی به زمان ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام و فراگیر شدن اسلام در آن زمان اشاره دارند:

- روایت یکم از کتاب **کمال‌الدین** شیخ صدوق است که ذیل آیه شریفه در روایت اشاره می‌کند که تحقق این آیه در زمان ظهور حضرت مهدی است که هیچ کافری و مشرکی در زمین باقی نمی‌ماند و این اشاره روشن به نفی تکثرگرایی در آن زمان است؛

فی کتاب کمال الدین و تمام النعمة باسناده الی ابی بصیر قال قال ابو عبدالله علیه السلام فی قوله عز و جل: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ يَهْدِي وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» فقال: و الله ما نزل تأويلها بعد و لا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم علیه السلام، فاذا خرج القائم لم يبق كافر بالله العظيم و لا مشرك بالإمام الأکرة خروجه، حتى لو كان كافر أو مشرك فی بطن صخرة لقاتل: یا مؤمن فی بطنی کافر فاکسرني و اقتل. (ابن جمعه، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۱۲)

روایت دوم که اشاره به دوازده امام دارد و دوازدهمین آنها را کسی معرفی می کند که زمین را پر از عدل و داد می کند و این عدالت او فراگیر است و تمام زمین را خواهد گرفت:

و باسناده الی سلیط قال: قال الحسين بن علی بن أبی طالب علیه السلام: منا اثنا عشر مهديا أولهم أمير المؤمنين علی بن أبی طالب علیه السلام، و آخرهم التاسع من ولدي و هو القائم بالحق، يحيي الله به الأرض بعد موتها، و يظهر به الدين الحق علی الدين كله و لو كره المشركون. (ابن جمعه، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۱۲)

روایت سوم با اشاره به این نکته که شرق و غرب عالم در دست حکومت امام مهدی علیه السلام قرار خواهد گرفت و این نشانه نبود هیچ دینی به غیر اسلام در آن زمان خواهد بود:

و باسناده الی محمد بن مسلم الثقفي قال: سمعت أبا جعفر محمد بن علی علیه السلام يقول: القائم منا منصور بالربع مؤيد بالنصر، تطوى له الأرض و تظهر له الكنوز، يبلغ سلطانه المشرق والمغرب، و يظهر الله عز و جل دينه علی الدين كله و لو كره المشركون، فلا يبقى فی الأرض خراب الا عمر، و ينزل روح الله عيسى بن مريم علیه السلام فيصلی خلفه. (ابن جمعه، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۱۳)

روایت چهارم را به نقل از **کافی** آورده است:

فی أصول الكافي علی بن محمد عن بعض أصحابنا عن ابن محبوب عن محمد بن الفضيل عن أبی الحسن الماضي علیه السلام قال: قلت: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ يَهْدِي وَ دِينَ الْحَقِّ» قال، هو الذي امر رسوله بالولاية لوصيه، و الولاية هي دين الحق، قلت: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» قال: يظهر علی جميع الأديان عند قيام القائم. (ابن جمعه، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۱۳)

روایت پنجم از کتاب **احتجاج** طبرسی نقل شده است که غلبه نهایی در زمان ظهور در اسلام است:

فی کتاب الاحتجاج للطبرسي علیه السلام عن أمير المؤمنين علیه السلام حديث طويل و فيه: و غاب صاحب هذا الأمر بإيضاح العذر له في ذلك، لاشتمال الفتنة علی القلوب حتى يكون أقرب الناس إليه

أشدهم عداوة له، و عند ذلك يؤيده الله مجنود لم تروها، و يظهر دين نبيه ﷺ على يديه على الدين كله و لو كره المشركون. (ابن جمعه، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۱۳)

روایت ششم که پیش‌تر اشاره شد همان روایت کتاب تفسیر عیاشی است و این روایت همچنان که ذکر شد در منابع اهل سنت نیز به فراوانی وجود دارد:

في تفسير العياشي عن أبي المقدم عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله: «لِيُظْهَرَ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» يكون أن لا يبقى أحد، الا أقر بمحمد عليه السلام لا يبقى على وجه الأرض بيت مدر و لا وير الا أدخله الله كلمة الإسلام، اما بعز عزيز أو بذل ذليل اما يعزهم فيجعلهم الله من أهله فيقروا به و اما يذلهم فيدينون له. (ابن جمعه، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۱۳)

آنچه در تحلیل این دسته از روایات باید ذکر شود این است که؛ پرداختن بیشتر منابع روایی و تفسیری به این نوع روایات از شهرت روایی آنها، پرده بر می‌دارد و اگر برخی هم ضعف سند داشته باشند، شهرت روایی، جبران ضعف سند خواهد نمود.

نکته دوم اینکه؛ وجود برخی از این روایات در منابع اهل سنت نشانگر ضعف این دسته روایات نیست؛ چراکه در منابع دست اول شیعه، مثل *کمال‌الدین* و *کافی* این روایات وجود داشته است، از این سو، این دسته روایات از تواتر معنوی برخوردار بوده و فریقین به آنها اشاره کرده‌اند.

نکته پایانی اینکه؛ غلبه نهایی اسلام یک امر پذیرفتنی با توجه به روایات و استدلال‌های برخاسته از متن آیات اظهار است، گرچه در پاره‌ای از جزییات، نگاه اهل سنت با شیعه فرق داشته است اما در کلیت غلبه ظاهری اسلام بر سایر ادیان مشترک است.

### نتیجه

تکثرگرایی دینی با رهبری جان هیک، گرچه در قرن بیستم طرفدارانی داشته است، اما آشنایی با اسلام و پذیرش حق از باورمندان این تفکر کاسته است، آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه در حوزه معارف مهدویت در موضوع «فراگیر شدن دین اسلام در سرتاسر زمین»، مقابل پلورالیسم دینی قرار می‌گیرد. بنابر تفاسیر فریقین ذیل آیه ۹ سوره صف، غلبه اسلام بر تمامی مکاتب و ادیان، یک وعده الهی و حتمی است، از این‌رو مجالی برای پذیرش تکثرگرایی دینی در عصر ظهور باقی نخواهد ماند. آیین اسلام با مبانی کلامی خویش و متن آیات قرآن کریم، هرگز حقانیت دین دیگری را نمی‌پذیرد، چراکه ادیان قبل اسلام دستخوش تحریف قرار گرفته‌اند و از سویی دیگر همه، نوید بر آمدن دین

حق را داده‌اند، بنابراین، اسلام به انحصار معتقد است و این انحصار در بُعد حقانیت و صدق، کاملاً تأکید شده و بر آن پافشاری شده است و مجالی برای پذیرش حقانیت و بقای سایر ادیان نخواهد گذاشت. دلالت روشن آیات اظهار دین و روایات در ذیل آن که به فراوانی در منابع شیعه و سنی وجود دارد، ما را به این نتیجه می‌رساند که حقانیت با دین اسلام است و در دوران ظهور این وعده الهی تجلی کامل خواهد یافت و راهی برای پذیرش و باقی ماندن سایر ادیان نخواهد گذاشت.

### منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دار الکتب العلمیه.

- آیتی، نصرت‌الله، ۱۳۸۴، «اهل کتاب در دولت مهدی (عج)»، *انتظار موعود*، ش ۱۵، ص ۲۷۴ - ۲۴۳، قم، مرکز تخصصی مهدویت.

- ابن بابویه قمی، محمد بن علی، ۱۳۹۵ ق، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، اسلامیه، چ ۲.

- ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۳۸۷، *التحریر و التنویر*، بیروت، موسسه تاریخ العربی.

- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۰ ق، *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ ۳.

- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، دار الهجرة، چ ۲.

- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ ۳.

- ایان باربور، ۱۳۷۹، *علم و دین*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چ ۳.

- بیات، عبدالرسول و دیگران، ۱۳۸۱، *فرهنگ واژه‌ها*، قم، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی

- تونی لین، ۱۳۹۴، *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه روبرت آسریان، تهران، فرزانه روز.

- ثعلبی، احمد ابن ابراهیم، ۱۴۲۲ ق، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، ۱۴۲۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۲.

- جان هیک، ۱۳۸۶، *مباحث پلورالیزم دینی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، نشر علم.

- جان هیک، ۱۳۷۶، *فلسفه دین*، ترجمه بهزاد سالکی و بهرام راد، تهران، الهدی.

- خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۷۹، *کلام جدید*، قم، مرکز مطالعات فرهنگ.

- خسروشاهی، سید هادی، ۱۳۷۳، *دین پژوهی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اسلامی، چ ۲.
- درویش، محی‌الدین، ۱۴۱۵ ق، *اعراب القرآن الکریم*، دمشق، دار الیمامة، چ ۴.
- رازی، فخرالدین، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار احیاء لتراث العربی.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۹۷۹ م، *أساس البلاغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۸۵، *پلورالیسم دینی از منظر قرآن*، قم، موسسه امام صادق علیه السلام.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه کمرهای، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۶.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰ ق، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو، چ ۲.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، *کتاب تفسیر*، تهران، المطبعة العلمية.
- فیومی، أحمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم، مؤسسه دار الهجرة، چ ۲.
- قدردان قراملکی، محمدحسن، ۱۳۸۰، *قرآن و پلورالیزم*، تهران، اندیشه جوان.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۹۶۷ م، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت، دار الکتب العربی.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ ق، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، ۱۳۹۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیة.

